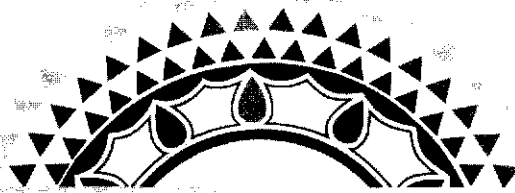




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اقباط، اقلیتی مذهبی متمایز از دیگر مسیحیان

ترجمه و تدوین: مجید مرادی



دیانت مسیح، نخستین بار به وسیله مرقس یکی از کاتبان اولیه انجیل به سرزمین مصر راه یافت. با آمدن او به مصر، سپیده دم مسیحیت در این سرزمین شکفتن گرفت. درباره سال ورود او به اسکندریه، پایتخت مشهور مصر در آن روزگار، اختلاف است؛ پاره‌ای منابع، ورود او را سال ۴۸ و شماری دیگر سال ۶۱ میلادی دانسته‌اند. وی در سال ۶۸ میلادی در اسکندریه به شهادت رسید. مرقس قدیس در این دوره کوتاه توانست دل‌های بسیاری از مصری‌ها را که به مسیحیت گرویده بودند، به خود جلب کند. او در مصر کلیسا تأسیس کرد و پس از آن مسیحیت به سرعت در گوشه و کنار مصر رواج یافت. طبیعت دین‌گرای مردم مصر از مهمترین عوامل گسترش دیانت مسیحی به شمار می‌آید. حتی در آستانه فتح مصر به دست عرب‌های مسلمان، مهمترین مسأله این سرزمین، مسأله دینی بود. مصر از نخستین سرزمین‌هایی است که مسیحیت در قرن اول میلادی به آن راه یافت و تا قرن دوم به تدریج تمام این سرزمین را در بر گرفت، اما کاهنان بت‌پرست با این دیانت بر سر ستیز و عداوت شدند و مسیحیان را تحت سرکوب قرار دادند، تا اینکه امپراتور دقلدیانوس (۳۰۵-۲۱۴ م) بر تخت نشست و در دوران او، سرکوب مسیحیان به نهایت رسید.

مصری‌ها هم با قدرت و پایداری به مقابله با این سرکوب‌ها پرداختند و کلیسای قبطی در نتیجه تأثیر این سرکوب‌ها بر روح و روان قبطی‌ها، تقویم خود را - که تقویم شهدا نامید- از نخستین سال حکومت دقلدیانوس در سال ۲۴۸ میلادی آغاز کرد.

از آغاز قرن چهارم میلادی که کاهنان دین مسیحیت را به رسمیت شناختند، مشکل دینی نه تنها کاهش نیافت که با ورود کاهنان به مناقشات کلامی میان مسیحیان بر سر ماهیت و صفات مسیحی و تشکیل مجامع دینی برای پیگیری این مباحث، پیچیده‌تر شد. منازعه دینی میان کلیسای اسکندریه و کلیسای قسطنطنیه از حوالی نیمه قرن پانزدهم میلادی و در جریان اختلاف این دو کلیسا پیرامون ماهیت مسیح، به بالاترین حد خود رسید و امپراتوری بیزانس در سال ۴۵۱ م. مجمعی دینی برای بررسی این موضوع تشکیل داد. این مجمع اعلام کرد که عقیده کلیسای قسطنطنیه، که مسیح را دارای دو ماهیت یا دو طبیعت می‌داند، درست است و عقیده کلیسای مصر (اسکندریه) که مسیح را دارای یک ماهیت می‌داند، کفر و خروج از دین

است. این مجمع همچنین مقرر کرد پاتریارک اسکندریه از حق داشتن کلیسا محروم است. نه پاتریارک اسکندریه و نه مسیحیان مصر، هیچ کدام آنچه را که مجمع بیزانس مقرر داشته بود، برناتفتند و بر خود عنوان آرتدوکس‌ها، که کلمه‌ای یونانی و به معنای راست‌کیشان است، نهادند. به این ترتیب از سال ۴۵۱ م. کلیساهای جهان به دو دسته منشعب شدند: پیروان «مذهب ماهیت واحد مسیح» که تحت زعامت کلیسای اسکندریه و رهبری پاپ دیسفورس اول قرار گرفتند و پیروان «مذهب ماهیت دوگانه» مسیح که پیرو کلیساهای روم و قسطنطنیه و تحت رهبری پاپ روما لاون بزرگ بودند.

پس از ظهور اسلام و با آغاز فتوحات اسلامی، خلیفه دوم (عمر)، فرمانده خود عمروعاص را برای فتح مصر فرستاد و او در رأس لشکری چهار هزار نفره در سال ۱۸ هجری (۶۳۹ میلادی) مصر را فتح کرد و با فتح مصر، اسلام به تدریج در میان مردم مصر رواج یافت، ولی شماری از مصری‌ها همچنان اعتقاد و دلبستگی خویش به دیانت مسیح را حفظ کردند و به عنوان اقلیتی دینی تمایز خود از بقیه مردم مصر و تمایز مذهبی خود از دیگر مسیحیان جهان را تداوم بخشیدند. قبطی‌ها در طول تاریخ پس از اسلام، در دوره‌های متفاوت، وضعیت متفاوتی داشته‌اند. در

جریان فتح مصر به دست سپاه اسلام، پاپ بنیامین، رئیس قبطی‌ها از بیم جان خود گریخت، اما عمروعاص امان‌نامه او را به همه مناطق مصر فرستاد و در آن متذکر شد: «بنیامین، پاتریارک نصاری هر جا که باشد به لطف خدا در عهد و امان و سلامت خواهد بود». دکتر سیده اسماعیل کاشف می‌نویسد: «عرب‌ها همواره به رئیس دینی و رئیس دینی اقباط توجه خاص داشته‌اند. برخی مورخان مسلمان مانند قلقشندی و صیخ‌الاعشی روند شکل‌گیری نظام توافقی (قرار تعیین رئیس رسمی قبطی‌ها) را، که از سوی حاکمان مسلمان مصر صادر می‌شد، توضیح داده‌اند. براساس این قرارها، حدود قدرت پاپ و وظایف او تعیین می‌شد. حاکمان مسلمان، ریاست دینی قبطی‌ها را با الفاظ تکریم و احترام مورد خطاب قرار می‌دادند و معمولاً در مکاتبات این عناوین به کار می‌رفت: البطرک الجلیل، القدیس الخاشع و قدوه النصرانیه. در پاره‌ای دوره‌ها، دولت‌های اسلامی مسؤولیت جمع‌آوری مالیات را در روزهای جنگ، آشوب و بحران‌های اقتصادی به رئیس کلیسای قبطی می‌سپردند. در عهد ممالیک، وضعیت عمومی جامعه اقباط

مصر از وضعیت مسلمانان بهتر بوده است، زیرا کارگزاران ممالیک در امر گرفتن مالیات و کتابت، مباحث حساب و کتاب و امور اداری آنان بوده‌اند؛ گفته شده است که در این دوره، قبطی‌ها، مساحتگران، نسخه‌نویسان، داروسازان و نویسندگان حساب‌های مالی بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان آنان را طبقه باسوادان جامعه مصری دوره ممالیک دانست.

در دوره ناپلئون، یکی از سرداران قبطی به نام یعقوب، سپاهی از اقباط فقیر گرد آورد و برای حمایت از فرانسوی‌ها با مسلمانان وارد جنگ شد، اما با این حال غالب قبطیان و به‌ویژه دستگاه ریاست دینی قبطی با نیروهای صلیبی به مخالفت برخاستند. در موضوع ساخت کلیسا و تعمیر کلیساهای موجود، دولت‌های اسلامی سیاست ثابتی نداشتند، به طوری که در برخی دوره‌ها اجازه این کارها از سوی دولت‌های اسلامی داده شده و در برخی دوره‌ها ممانعت به عمل آمده است.

دوران محمدعلی شاه، با افزایش نفوذ غربی‌ها در جامعه مصر، نفوذ اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه قبطی‌ها رو به فزونی نهاد. بسیاری از خانواده‌های قبطی از راه فعالیت اقتصادی به عنوان نماینده شرکت‌های تجاری اروپایی، وضعیت اجتماعی خود را ارتقا و ترجیح دادند در سایه تابعیت برخی کشورهای اروپایی آسایش یابند.

رهبان کنونی کلیسای قبطی مصر، پاپ شونده سوم، پاتریارک کرازه مرقسی است. وی نماینده طایفه اقباط آرتدوکس مصر و روحانی‌ای روشنفکر و اهل قلم است. وی عضو انجمن روزنامه‌نگاران مصر است و فتوای مشهور او که اقباط را از زیارت اماکن مقدس در بیت المقدس پیش از آزادی آن از دست اسرائیل منع کرد، حکایت از موضع به شدت ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی او دارد. وی معتقد است، صلح حقیقی صلحی است که عدالت را تحقق بخشد؛ ولی صلحی که به زور و قدرت متکی باشد ناپایدار است و رژیم اسرائیل، رژیمی نژادپرست است که با موجودیت همه غیریهودیان سر‌ناسازگاری دارد.

دستگاه پاتریارک کلیسای قبطی

چنان‌که گفته شد، با آمدن قدیس مرقس که مبلغ و مبشر ایمان مسیحی بود، پایه مسیحیت در سرزمین مصر بنا نهاده شد. شهر اسکندریه نخستین مکانی بود که مرقس به آن گام نهاد. وی در این شهر با خانواده‌ای دیدار کرد که به دست او به ایمان مسیحی گروید و نخستین کلیسا را در مصر تأسیس کرد. از این رو کلیسای قبطی



مصر، با نام «کلیسای اسکندریه» شناخته شده و رئیس دینی آن «پاپ اسکندری» نامیده می‌شود. از زمان قدیس مرقس تاکنون، ۱۱۷ پاتریارک یا پاپ به کرسی کلیسای اسکندری قبطی دست یافته‌اند.

انتخاب پاپ بر اساس مبانی کتاب مقدس و قوانین کلیسا انجام می‌شود. کتاب مقدس (انجیل) نخستین منبعی است که از شرایط اسقف (پاپ) سخن گفته و چارچوب عام انتخاب او را معین کرده است. در قوانین کلیسای قبطی نیز به معیارها و سازوکارهای انتخاب پاپ اشاره و به دو نکته توجه خاص شده است:

۱- اطمینان از فراهم بودن شرایط لازم در کسی که نامزد ریاست کلیسا می‌شود، بر اساس شرایطی که در کتاب مقدس آمده است.
۲- مراجعه به آرای مردم که حق گزینش فرد مورد اعتماد خود را دارند.

اعیاد قبطی‌ها

چنانکه گذشت، مسیحیت از طریق قدیس مرقس انجیلی در قرن اول میلادی و در زمان حکومت امپراتور روم، کلاودیوس، وارد مصر شد. قدیس مرقس نخستین کسی است که انجیل را تدوین کرد و هم او بنیادگذار کلیسای قبطی است. افزایش شمار گروندگان به دین مسیحیت در میان مصریان، در اثر تبلیغ او، وحشت امپراتور روم را برانگیخت. او در روز عید قیامت سال ۶۸ میلادی دستور زندانی کردن قدیس مرقس را داد و روز بعد، این قدیس پس از تحمل انواع شکنجه شهید شد. اما این حادثه مانع گسترش مسیحیت در مصر نشد و این دین در سراسر مصر رواج یافت. ترویج سریع مسیحیت بی ارتباط با روحیه دینی مردم و عقاید به‌جا مانده از عهد فراعنه به‌ویژه در مسأله حیات پس از مرگ نبوده است.

قبطی‌ها معتقدند پس از مرگ، دوران زندگی تازه‌ای آغاز می‌شود و افسانه ایزیس مصریان قدیم که پسرش حورس را تحت حمایت می‌گیرد با داستان حضرت مریم تشابه زیادی دارد.

عید قیامت

«عید قیامت» به مدت یک هفته به نام «اسبوع الالام» برگزار می‌شود. این عید در حقیقت یادبود واپسین روزهای حضور حضرت مسیح بر روی زمین است. این مراسم از جشن یکشنبه «عید نخل» (احد السعف) آغاز می‌شود و با عید قیامت حضرت مسیح پایان می‌یابد. در یکشنبه عید نخل مردم به زیارت قبور محله خود می‌روند و کاهنان، مراسم نماز عشای ربانی را در کلیساها اجرا می‌کنند. همچنین کاروان‌هایی که شاخه‌های نخل به هیأت صلیب درآمده را پیشاپیش خود دارند، به راه می‌افتند و دانه‌های کندر می‌باشند. در خارج از کلیسا برگ‌های نخل در معرض فروش قرار می‌گیرد تا مردم برای طرد ارواح خبیث آنها را بالای آستانه در خانه‌شان بیاویزند. روز پنجشنبه، قبطیان به یاد کار مسیح، که پای شاگردانش را شست و شو داد، جشن می‌گیرند. در روز جمعه، کلیساها را با پارچه‌های سیاه می‌پوشانند، اما روز شنبه به یادبود معجزه نوری که پیرامون قبر مقدس در اورشلیم قدس پرتو افکند، «شنبه نور» نامیده می‌شود.

در نیمه‌شب شنبه، کلیساهای قبطی سراسر مصر، نماز عشای ربانی برگزار می‌کنند و پاپ شش‌سوم در کلیسای بزرگ مرقسی قاهره در میان هزاران تن از مسیحیان مراسم نماز عشای ربانی برگزار می‌کند.

عید میلاد مسیح

عید میلاد مسیح، هفتم ژانویه هر سال برگزار می‌شود. جشن‌های عید میلاد همانند جشن‌های عید قیامت است؛ اما به شکل محدودتر.

قبطی‌های مصر، روزهای عید و میلادها، به زیارت مکان‌های مقدس می‌روند و شمار زائران بیش از ۵۰ هزار تن برآورد می‌شود.

آداب ازدواج

ازدواج قبطی‌ها در دو مرحله انجام می‌پذیرد: مرحله نخست که آن را نصف الاکلیل (نیم عروسی) می‌نامند، به مثابه مراسم نامزدی در میان مسلمانان است که دو نامزد و شهود، برگه نامزدی را امضا و زمان جشن عروسی و پاره‌ای شروط ویژه آن را مشخص می‌کنند.

در مرحله دوم که همان جشن عروسی است، پیوند ازدواج به عنوان رازی مقدس در میان عروس و داماد به وسیله دعای کاهن برقرار می‌شود و

رابطه زناشویی میان آن دو شکل می‌گیرد. نماز یا دعای مخصوص ازدواج، حتماً باید در داخل کلیسا برگزار شود.

مرگ در آیین قبطیان

قبطی‌ها معتقدند روز وفات فرد، میلاد جدیدی برای اوست و او با تن دادن به مرگ، در بهشت فردوس حیات جاودانه می‌یابد. آنان به مراسم شهدا «موالد» یعنی «میلادها» می‌گویند و مقصود از میلاد، یافتن حیات اخروی است که با مرگ به‌دست می‌آید نه تولد جسمانی.

از این‌رو مسیحیان متدین قبطی، برای اشاره به مفهوم «مرگ» از تعبیر «مرگ» استفاده نمی‌کنند و استفاده از کلمات دیگر را ترجیح می‌دهند، مانند «نیاحه» به معنای راحت، که در صورتی که میت از علمای دین باشد به کار برده می‌شود و یا کلمه «انتقال» و یا «رقاد» که همگی حاکی از شادمانی به سبب عبور پیروزمندانه میت از این جهان است؛ پیروزی از این‌رو که او پیکر خاکی‌اش را خلع کرده است تا پس از آن جسدی روحانی را بپذیرد که تباهی‌ناپذیر است.

قبطی‌ها، مردگان خود را پس از شست‌وشو و معطر کردن، در کفن‌هایی - که معمولاً برای مردان به رنگ سفید و برای زنان رنگارنگ است - می‌پیچند. در گذشته برخی از قبطی‌ها ترجیح می‌دادند پارچه کفن خود را از قدس یا بیت لحم تهیه کنند.

کاهنان و اسقف‌ها در لباس خدمت خود که به رنگ سفید است دفن می‌شوند و پاهایشان با جوراب سفیدرنگ پوشانده می‌شود.

همچنین بر گردن یا دست میت صلیبی می‌آویزند، همراه او کتابی مقدس در قبر می‌نهند و کف دو دست و سر و صورت او را با حوله‌ای سفید می‌پوشانند. نیز به عنوان نماد پاکی و پاکیزگی، تمام بدن میت را با لباس سفید دیگری می‌پوشانند.

پس از تشییع جنازه، دعاهایی برای طلب رحمت و بخشش برای میت خوانده می‌شود و آنگاه کاهن موعظه سر می‌دهد و تسلیت می‌گوید و اگر میت، از رجال پرهیزگار کلیسا باشد، درباره زندگی و شخصیت او سخن می‌گوید. مراسم دعا و وعظ برای کسی که خودکشی کرده، فاقد عقل بوده، حین ارتکاب به گناه و در حال بدعت و یا ارتداد از ایمان مرده و یا گناه آشکاری مرتکب شده و از آن توبه نکرده، اجرا نمی‌شود.

پس از پایان مراسم نماز و وعظ در کلیسا، خانواده میت حمله‌های عزا برپا می‌کنند و مجالسی برای وعظ کاهنان به راه می‌اندازند. عزاداری به‌مدت سه روز ادامه می‌یابد و پس

به سمت رهبر کلیسای قبطی اسکندری و پاتریارک کرازه مرقسی تعیین کرد و روابط دو طرف وارد مرحله جدیدی از همکاری شد.

منبع: مجله النور، بیروت

جدیدی از روشنفکران قبطی است که خواهان پیشرفت و ارتقای سطح نهادهای دینی قبطی به تناسب ارتقای سطح عمومی جامعه بوده‌اند.

روابط کلیسای قبطی با دولت‌هایی که در مصر روی کار آمدند، فراز و نشیب‌هایی داشته است. پاپ کرلس ششم، رئیس قبطی کلیسای قبطی با جمال عبدالناصر روابطی صمیمانه داشت و او را در طرح ادغام و هماهنگی دو مؤسسه دینی بزرگ مصر-الازهر و کلیسای قبطی ارتدوکس- و استفاده از توان این دو مؤسسه مورد حمایت قرار داد.

کشیش شونده معاون آموزش کلیسای قبطی آن روز- و پاپ شونده امروز- در سال ۱۹۶۶ م. در جریان نزاع مصر و اسرائیل، در میان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران گفت: "اگر خدا اراده فرموده است تا جمال عبدالناصر را جوانان شمشیری برای تأدیب این ملت [یهود] بفرستد، قطعاً این کار به لحاظ روحی برایشان بهتر خواهد بود."

پس از جنگ سال ۱۹۶۷ عرب‌ها و اسرائیل و اشغال شهر قدس، پاپ کرلس ششم تمام تلاش خود را برای حمایت از فلسطینیان و دفاع از حقوق آنان در قضیه قدس به‌کار گرفت، ایده بین‌المللی شدن این شهر را رد و در مقابله با اشغالگری اسرائیل و بی‌حرمتی صهیونیست‌ها نسبت به اماکن مقدس، قبطی‌های جهان را از رفتن به قدس منع کرد؛ این منع تا امروز به قوت خود باقی است. وی در نامه‌ای به پاپ ژان پل ششم، رئیس کلیسای کاتولیک رم (واتیکان)، ضمن محکوم کردن اقدام غاصبانه اسرائیل و آرزوی شهادت در راه دفاع از میراث جاودان و افتخار کهن عرب‌ها (شهر قدس)، از وی خواست تا از حق مسلم ملت‌های عرب دفاع و در راه بازگرداندن قدس به اوضاع پیش از تجاوز و اشغال تلاش کند.

با مرگ جمال عبدالناصر و به قدرت رسیدن سادات از سویی و روی کار آمدن رهبران مذهبی جوان در کلیسای قبطی از سوی دیگر، بروز برخی حوادث سبب وارد آمدن فشارهای متقابل دو طرف به یکدیگر شد. مقابله پاپ شونده با قوانین ارتداد و تلاش‌های حقوقی‌سازی شریعت اسلام، تظاهرات قبطی‌های ساکن ایالات متحده علیه سادات، خودداری پاپ شونده از اقامه نماز قداس عید و بحران سرپیچی او از مشارکت در روند عادی‌سازی روابط میان مصر و اسرائیل پس از معاهده کمپ دیوید- که اوج آن به حادثه طرد پاپ شونده از سوی دولت و دستور سادات به اقامت اجباری وی در داخل کلیسا در سال ۱۹۸۱ م. بازمی‌گردد- از فراز و نشیب‌های روابط کلیسای قبطی با دولت مصر بوده است. در سال ۱۹۸۵ م. محمد حسنی مبارک بار دیگر پاپ شونده سوم را

از گذشت سه روز از دفن میت، نماز سوم به‌جا می‌آید که نماز برطرف کردن روح اندوه نامیده می‌شود.

تکمله مترجم:

اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قبطی‌ها
از آغاز قرن نوزدهم و همزمان با بروز تحولات سیاسی-اجتماعی در مصر، تأسیس دولت جدید، نوسازی تشکیلات دولت و شکل‌گیری سازمان‌های مختلف، اقباط نیز دستخوش تحول شده و بلکه فعالانه در آن مشارکت ورزیده‌اند. کلیسای قبطی با جنبش‌ها و خیزش‌های ملی در مصر همگام بوده و با مسأله دولت ملی مستقل که سعد زغلول پیشگام آن بود، ارتباط داشته است.

از سال ۱۸۵۴ هم مهمترین اقدامات نوگرایانه آموزشی و فرهنگی به‌وسیله پاپ کرلس چهارم پایه‌گذاری شد. به گفته طاروق البشیری، فعالیت‌های اصلاحی پاپ کرلس در نیمه قرن نوزدهم و تأسیس مدارس جدید به‌وسیله او، از جمله فعالیت‌های پیش‌تازانه در جامعه [مصر] بوده است. پاپ کرلس به شدت در برابر هجوم گروه‌های تبشیری اروپایی به مصر ایستادگی و مدارس فراوانی تأسیس کرد که فرزندان مصر، اعم از قبطی و مسلمان، در سایه آن پرورش یافتند و بسیاری از مقامات عالی سیاسی و اداری این کشور از همین مدارس برخاستند؛ مانند عبدالحمید مصطفی معاون وزارت مالیه، محمود عبدالرزاق معاون وزیر کشور و بطرس غالی وزیر خارجه و دبیرکل سازمان ملل متحد که خود از جامعه قبطیان مصر است.

از سال ۱۹۶۲ تاکنون فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی کلیسای قبطی ارتدوکس مصر رونق و گسترش فزاینده‌ای داشته است، به‌طوری‌که تا سال ۱۹۸۰ م. چهار معاونت در دستگاه ریاست دینی قبطی شکل گرفته که عبارتند از:

- ۱- معاونت آموزش در سال ۱۹۶۲ م، که شامل مرکز مطالعات قبطی و مراکز علوم دینی و انجمن‌های تبلیغی و مدارس می‌شود.
- ۲- معاونت خدمات عمومی و اجتماعی در سال ۱۹۶۲ م.
- ۳- معاونت تحصیلات عالی و فرهنگ قبطی و پژوهش علمی در سال ۱۹۶۷ م.
- ۴- معاونت امور جوانان در سال ۱۹۸۰ م.

تحولات جدیدی که جامعه قبطی مصر شاهد آن بود، نتیجه طبیعی تحولات اجتماعی- فرهنگی در سطح کل جامعه مصری و روی کار آمدن نسل

